

### متن پرسش

سلام خدمت استاد بزرگوار: جناب ملاصدرا همانطور که میدانید معتقد به بداهت وجود است و همین طور دارای یک فلسفه و متافیزیک خاص است - اما در نگاه آقای هایدگر و آقای فردید و مفسرانشان مثل جناب سید عباس معارف ایشان مخالف با بداهت وجود هستند و همینطور در مورد متافیزیک حتی خود شما هم معتقد به پایان متافیزیک هستید - سوال بنده این است این دو نحوه وجود (صدرايي و هایدگر) چطور با هم جمع میشوند و چطور آینده انقلاب اسلامی با فلسفه ی (متافیزیک) صدرايي میتواند جلو برود؟ تشکر

### متن پاسخ

- باسمه تعالی: سلام علیکم: قبلا هم عرض کردم ملاصدرا آن وقت که به زبان قوم سخن می‌گوید بحث «بداهت مفهوم وجود» را به میان می‌آورد ولی اگر عنایت داشته باشید که اصل حرف ملاصدرا در اصالت وجود، تشکیکی بودن وجود است، حال وقتی وجود تشکیکی است یعنی همواره شما در مقابل وجودی قرار دارید که در ظهور و خفاء است و خودش در عین شکوفایی خود، عامل مستوری خود می‌باشد و بنده این حرف را پایان متافیزیک می‌دانم و معتقدم ملاصدرا در آن شرایط تاریخی باب آن را باز کرد ولی متأسفانه در حجاب زمانه قرارگرفت با این که او با بحث اصالت وجود و به تبع آن وحدت وجود ما را متوجه عرفان محیی الدین می‌کند که به هیچ وجه در متافیزیک نمی‌گنجد و حضرت روح‌الله در آثار خود ما را متذکر آن می‌کند. بنده حتی معتقدم وقتی ما هایدگر را درست می‌فهمیم که مبانی فکری فرهنگ خود را درست بفهمیم و از این جهت فهم فردید از هایدگر را قابل مقایسه با فهم آن‌هایی که نمی‌فهمند ملاصدرا چه می‌گوید، نمی‌دانم. استادی که نمی‌فهمد در حرکت جوهری ملاصدرا، حرکت در مرتبه‌ای از وجود مدّ نظر است و به تقلید از پدیدار شناسان می‌گوید «چون ملاصدرا از جوهر و ذات حرف زده نمی‌تواند به وجودی که هایدگر گفته نزدیک شود» باید در سخن خود سخت تجدید نظر کند. بنده از آن جهت معتقدم که انقلاب اسلامی با فلسفه‌ی صدرايي جلو می‌رود که صدرا را انعکاس تفکر دینی در مقابل فلسفه‌ی دکارتی غرب می‌دانم که در دربار صفویه با هم روبرو شدند. در آن زمان از یک طرف مستشرقین با ذوق زدگی تمام بر اندیشه‌ی سوبژکتیو وجدایی عین و ذهن دکارت تأکید داشتند و در طرف دیگر ملاصدرا و اساتید او بودند و تعمق ملاصدرا در تقابل با نگاه دکارت به عالم موجب اشراق تشکیک وجود شد و تا غرب هست و دکارت هست این اشراق زنده و فعال به ما کمک خواهد کرد. در این مورد گفتگو زیاد است به‌خصوص در این که آیا

هایدگر از آن جهت که ملاصدرا وجود را بدیهی می‌داند، منکر بدیهی بودن وجود است یا نه. جناب آقای دکتر اصغر مصلح در کتاب «حقیقت انسان» که آراء هایدگر را با محی‌الدین مقایسه کرده است نظرات خوبی از هایدگر و نگاه وجودی او از متون معتبر آورده است که فکر می‌کنم در نزدیکی بین ملاصدرا و هایدگر نیز می‌توان از آن جملات استفاده کرد. موفق باشید